

خداوند وظیفه هدایت انسان را بر عهده چه کسانی قرار داده و چرا؟

ویژگی های کسانی که وظیفه هدایت انسان را بر عهده دارند، چیست؟

• انسان چه نیازی به هدایت شدن دارد؟

• وظیفه راهنمایی و هدایت انسان بر عهده چه کسانی است؟

• این اشخاص دارای چه ویژگی هایی هستند و چه وجه تمایزی با دیگران دارند؟

...

• تا به حال پیش آمده برای مشاوره تحصیلی به ناوایی محل مراجعه کنید؟

• یا موتور اتومبیل تان را به دست تعمیرکار تلفن بسپارید؟

• یا شکایت تان از درد معده را پیش متخصص پوست و مو ببرید و از او راهنمایی بگیرید؟

بعید است چنین کاری کرده باشید؛ مگر آنکه این اشخاص علاوه بر حیطه کاری خود در زمینه موردنظر شما نیز از مهارت و اطلاعات کافی برخوردار بوده باشند.

اصل استفاده از راهنما و هدایتگر آگاه در امور مختلف زندگی یک اصل عقلی و فطری است. ما هیچ گاه سکان امور مهم و حتی معمولی زندگی مان را به دست افراد کارنابلد و غیرمتخصص نمی سپاریم؛ زیرا از عواقب سپردن کار به اینگونه افراد آگاهی داریم و بارها چوبش را خورده ایم! با این حال در مورد خودمان معمولاً تا این اندازه حساس و دقیق نیستیم. بی تعارف بگوییم و با خودمان صادق باشیم؛ حقیقت این است که اکثر ما از آسیب دیدن اتومبیلمان در تصادف، یا خط برداشتن تلفن همراهمان در اثر ضربه بیشتر اندوهگین می شویم تا آسیب دیدن و خش افتادن روی قلب و روح مان؛ اگر کسی در خیابان آدرس غلطی به ما بدهد و ما را به مسیری اشتباه هدایت کند تا ساعت ها اعصابمان خرد است و گاهی در ذهنمان با

او درگیر می شویم، اما اگر کسی با راهنمایی های اشتباه و به عمد یا غیرعمد، ما را از رسیدن به هدف خلقتمان بازدارد، کک مان نمی گزد و احساس باخت نمی کنیم. ریشه این بی خیالی ها به عدم خودشناسی برمی گردد. ما نمی دانیم از کجا آمده ایم و برای رسیدن به مقصد چه راه دور و دراز و پرمخاطره ای در پیش داریم؛ در نتیجه ساعات عمرمان را به هر شکل و با هر کیفیتی هدر می دهیم و پشت سر هر مدعی جاهل یا مغرضی که کوچکترین آگاهی از ساختار وجود ما و مبدأ و مقصد حرکت مان ندارد، چشم بسته به راه می افتیم؛ بی آنکه ترس یا دلهره ای از عواقب کار داشته باشیم.

لزوم هدایت انسان

مقوله هدایت انسان مقوله بسیار مهمی است. کسی که وظیفه هدایت انسان را بر عهده می گیرد، باید به تمام ابعاد وجود و تمام مراحل حیات انسان اشراف داشته باشد؛ همان طور که قبلاً گفتیم انسان موجودی ممتد از خدا تا خداست و مراحل حیات او به صورت یک چرخه است. این چرخه مشتمل بر سه مرحله قبل از دنیا، دنیا و بعد از دنیاست. هر سه این مراحل و ساختارها باهم مرتبط هستند و روی هم تأثیر می گذارند. مرحله قبل از دنیا و آنچه که در آنجا بر ما گذشته بر نوع زندگی، تمایلات و خواسته های ما در دنیا اثرگذار است. نوع زندگی دنیایی ما نیز در ساختار نظام ابدی و سرنوشت ما در آنجا اثر می گذارد. ما قبل از آنکه وارد عالم دنیا شویم و حیثیت بدنی و زمینی پیدا کنیم، حیات داشته ایم. پس از آنکه از دنیا برویم نیز حیات خواهیم داشت، اما کیفیت حیات اخروی ما کاملاً وابسته به کیفیت حیات دنیوی ماست؛ به عبارت دیگر آنچه که ما در جهان آخرت درو می کنیم، محصول مستقیم کاشته های ما در دنیاست. بهشت و جهنم مکان هایی بیرونی نیستند؛ بلکه این اعمال ما در دنیاست که به صورت بهشت یا جهنم در جهان بعدی تجلی پیدا می کند.

با توجه به این نکات، چنانچه ما از شرایط زیستی حاکم بر آخرت اطلاع نداشته باشیم، نمی توانیم سبک زندگی مان را مطابق با نیازهای آنجا تنظیم کنیم. از طرفی عالم آخرت عالم غیب است و ما تا زمانی که در

حجاب ماده محصوریم، نمی توانیم از شرایط آنجا آگاهی پیدا کنیم؛ پس تکلیف چیست؟ آیا خداوند ما انسان ها را آفریده و یله و بی سرپرست رها کرده است؟ آیا می شود خداوندی که قبل از تولد انسان به دنیا شرایط را برای حضورش مهیا کرده، نسبت به هدایت انسان و سرنوشت او در جهان بعدی بی تفاوت باشد؟ کسانی که فکر می کنند خداوند بشر را آفریده و بلا تکلیف رها کرده؛ اصلاً خدا را نشناخته اند. خدایی که آن ها می پرستند یک خدای قلبی، ضعیف و بی فکر است که هیچ نسبتی با خدای حقیقی ندارد. خدای حقیقی حکیم است و برای هدایت انسان به عنوان عزیزترین و برترین مخلوق خود برنامه ای مدون و حساب شده دارد، اما این برنامه به چه شکل است و در اختیار چه کسانی است؟

راهنمایان و هادیان ما چه کسانی هستند؟

ما برای رسیدن به شادی، آرامش و خوشبختی در دنیا و آخرت به هفت دسته اطلاعات تخصصی احتیاج داریم، اطلاعاتی جامع و چندبعدی که تمام مراحل حیات و همه ابعاد وجود ما را دربرگیرد. این اطلاعات به شرح زیر است:

۱- شناخت مبداء حیات

۲- شناخت مقصد نهایی و ساختار نظام آخرتی

۳- شناخت جسم

۴- شناخت نفس

۵- آگاهی از رابطه نفس و بدن

۶- شناخت عالم طبیعت (دنیا)

۷- آگاهی از رابطه نفس با عالم طبیعت

طبق یک قاعده کلی داناترین شخص نسبت به یک پدیده خالق آن است. خالق جهان نیز خداوند است. اوست که تمام عوالم و تمام موجودت را آفریده و اداره می کند؛ پس داناترین شخص نسبت به این اطلاعات فقط خود خداست و ما اگر بخواهیم به این اطلاعات دسترسی پیدا کنیم، باید با خداوند ارتباط بگیریم، اما خداوند موجودی بی نهایت است و امکان دریافت مستقیم اطلاعات از او برای ما وجود ندارد.

پس ما برای دریافت دستورات و اطلاعات تخصصی مورد نیازمان از خداوند نیاز به واسطه داریم. واسطه ای که از یک سو، شبیه ترین و نزدیک ترین فرد به خدا باشد و از سوی دیگر دارای کالبد مادی بوده و از هر حیث شبیه ما باشد تا بتوانیم او را الگو قرار دهیم و سبک زندگی، طرز تفکر، رفتارها و سایر امور زندگی مان را با او هماهنگ کنیم. این فرد کسی نیست به جز انسان کامل یا همان متخصص معصوم.

خداوند این اطلاعات تخصصی را صرفاً در اختیار متخصصان معصوم، یعنی پیامبران و معصومین قرار داده و وظیفه هدایت انسان را بر دوش آن ها گذاشته است. بعد از خداوند معصومین تنها کسانی هستند که بر کل عالم اشراف دارند؛ زیرا علم خود را مستقیماً از خدا می گیرند، نه از تحقیقات محدود و فرضیه های ابطال پذیر دانشمندان. دلیل تأکید فراوان بر مسئله ولایت در اسلام نیز همین است؛ اگر کسی تمام اصول اعتقادات و احکام اسلام را بپذیرد اما ولایت را کتمان کند در واقع دین ندارد؛ چون زندگی اش یک زندگی غیرمتخصصانه و جاهلانه است و اساس حرکتش به سمت آخرت دچار اشکال است. تکیه بر متخصص معصوم مثل سوار شدن بر کشتی است. مسیر کشتی به سمت ساحل است و کسی که داخل کشتی است حتی اگر در طول سفر مرتکب خطایی شود، بازهم به ساحل نجات خواهد رسید، اما کسی که خودش را به کشتی نرسانده باشد، اساساً راه به ساحل نخواهد برد و در اقیانوس گمراهی غرق می شود.